

باسمه تعالی

مسئله‌شناسی حجاب در بین روشنفکران معاصر
ایرانی

زهره رجیبیان

جلسہ دوم

اشاره: یکی دیگر از دیدگاه‌های انتقادی در زمینه‌ی حجاب مربوط به «محسن کدیور» است. مهم‌ترین تمایز دیدگاه کدیور نسبت به حجاب مشهور فقهی، تقسیم اعضا به دو قسم است که پوشاندن یک قسم را به حکم اولی و پوشاندن قسم دیگر را به حکم ثانوی و در شرایط مفسده‌انگیز واجب می‌داند. در این جلسه، ابتدا دیدگاه کدیور و دلالت‌های قرآنی و روایی که به آن‌ها اعتقاد دارد، بیان می‌شود و سپس دیدگاه وی مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. دیدگاه محسن کدیور

محسن کدیور مساله حجاب را تحت عنوان «تأملی در مسئله‌ی حجاب» طی پنج مقاله مورد بررسی قرار داده است. این مقالات شامل پنج درس گفتار در موضوعات حجاب در قرآن، حجاب در روایات شیعی، حجاب در روایات و فتاوی اهل سنت و حجاب در فقه شیعه است. محسن کدیور در بررسی‌ها و مقالات خود، ساطر شرعی را شامل دو بخش دانسته و گفته است:

- برخی از اعضای بدن، تحت هر شرایطی باید پوشانده شوند و تغییر شرایط زمانی و مکانی در حکم پوشش آنها هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند.

- برخی اعضا، ممکن است در بعضی از شرایط پوشاندنشان واجب نباشد و در بعضی از شرایط، بنا به حکم ثانوی و از باب ایجاد مفسده، پوشاندن آنها واجب شود.

طبق دیدگاه کدیور، پوشاندن گردن تا زانوها تحت هر شرایطی و به حکم اولی واجب است، ولی سایر اعضا مثل سر، گردن، ساق، دست‌ها و پاها، فقط در شرایطی که عدم پوشاندن آنها مفسده ایجاد کند، به حکم ثانوی، پوشاندنشان واجب است. کدیور می‌گوید به دلیل این‌که در عصر نزول آیات، پوشاندن برخی از اعضا مثل پوشش سر و گردن و ساق دست‌ها و پاها، معمول نبوده است، بنابراین فراز «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» در آیه ۳۱ سوره نور، شامل این اعضا می‌شود، اما ممکن است پوشش آنها تحت شرایطی و به علت ایجاد مفسده، واجب شود.

وی در زمینه استدلال به آیات قرآن خاطر نشان می‌سازد که:

در این‌که خمار به معنای سرپوش باشد، تردید وجود دارد؛ همین‌طور در تعیین مصداق جیب و برخی دیگر از مفردات آیه. خُمَر جمع خمار به معنای پوشاک، سه معنا را در بر دارد: روسری، ردا (پارچه‌ای که برای پوشاندن نیم‌تنه‌ی بالا بکار می‌رفته است) و ازار و لنگ (پارچه‌ای برای پوشاندن نیم‌تنه‌ی پایین). با توجه به وجود سه معنا برای خمار، قدر متیقن معنای خمار پوشاک می‌شود، ولی مشخص نیست کدام معنا، مورد نظر آیه شریفه است؛ بنابراین، به دلیل مبهم و مجمل بودن معنای خمار، فهم مراد آیه نیاز به قرینه دارد و باید قدر متیقن را در نظر بگیریم که پوشاک و پوشیدنی است. بنا بر این معنای آیه این‌طور خواهد شد: «پوشاک خود را بر گریبان‌ها قرار دهید.» جیوب (جمع جیب) نیز سه معنا دارد که ممکن است هر کدام از آن‌ها، مراد آیه باشد: شکاف حاصل از جدایی طرفین لباس (چاک لباس که در آن دوران به شدت رایج بوده است)، ناحیه گریبان و سینه زنان و ناحیه شرمگاه. با توجه به این سه معنا، مفهوم آیه مبهم است و بر پوشش سر و گردن دلالت ندارد. مراد از زینت‌های ظاهر در فراز «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، دست‌ها از

آرنج به پایین، پاها از زانو به پایین و سر و گردن و صورت است. در عصر نزول آیات، زنان طبق رسوم عرب، معمولاً این مواضع را نمی پوشاندند و در اغلب جوامع نیز این طور بوده است. بنابراین، آیه نمی تواند بر پوشاندن مواضعی که ذکر شد، دلالت داشته باشد. مراد از زینت در آیه نیز زینت های طبیعی و بدنی است، نه زینت های افزودنی. از این رو، زنان باید بدن شان را که زینت طبیعی است در برابر افراد نامحرم بپوشانند.

کدیور در مورد دلالت های روایی مسئله حجاب بر آن است که: در ستر صلاتی، به جز یک روایت، سایر روایات بر وجوب پوشش همه ی بدن زن به جز وجه و کفین او در نماز دلالت دارند و تنها دخترانی که به سن بلوغ نرسیده اند و کنیزان، حق دارند بدون پوشش سر، نماز بخوانند. طبق روایات، در ستر غیر صلاتی، دختران بالغ و زنان باید سر خود را در مقابل نامحرم بپوشانند. در روایات ذیل آیه ی ۳۱ سوره نور که زینت های ظاهری و باطنی را تفسیر می کنند نیز پوشش مو مسلم و مفروض دانسته شده و به آن پرداخته نشده است. طبق روایات اهل سنت، پوشش مو با خمار یا

جلباب در زمان نماز واجب است، اما در خارج از نماز یعنی در ستر ناظری و در مقابل نامحرم، پوشش مستندی ندارد و پوشش مو، نتیجه‌ی فهم صحابه از آیات قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) است، و چون فهم صحابه دلیل لُبّی است، بنابراین باید به قدر متیقن آن اکتفا کرد.

در یک روایت که در منابع شیعه و سنی نقل شده، زن عورت دانسته شده است (النساء عوره). گرچه منابع اصلی این حدیث در کتب امامیه، از اهل تسنن است، ولی غالباً این عبارت، پذیرفته شده که بدن زن، عورت است. عورت بودن بدن زنان به جز موارد استثنا شده، قابل نقد است، در هر صورت، پوشش سر و گردن تردیدپذیر است و دلیلی بر وجوب پوشاندن سر و گردن وجود ندارد.

ممکن است کسی اشکال کند فقهای که در باب ستر صلاتی، قائل به وجوب ستر سر هستند، با توجه به پذیرش قاعده ملازمه، قائل به ستر سر در پوشش ناظری شده‌اند، جواب اشکال این است که اکثر فقها هم‌چون «کاشف الغطا»، «صاحب جواهر»، «آخوند خراسانی»، «صاحب عروه»، «محقق داماد»، «صاحب مستمسک»، «آیت‌الله

حکیم» و «آیت الله خویی» قائل به عدم ملازمه هستند و نباید برای این قاعده، اعتبار زیادی قائل شد.^۱

۲. نقد و بررسی دیدگاه محسن کدیور

محسن کدیور به دلیل چند وجهی دانستن معنای خمار و جیب، معتقد است آیه دلالتی بر وجوب پوشش سر و گردن ندارد. در مورد معنای خمار، چون قبلاً در مورد معنای این کلمه و دلالت آیه شریفه بر پوشش سر صحبت شد، بحث‌ها را تکرار نمی‌کنیم. اما در مورد جیب در فراز «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» معنایی که همه‌ی لغویون ذکر کرده‌اند، گریبان پیراهن و قسمتی از شکاف پیراهن است که در قسمت سینه قرار می‌گیرد؛ هر چند ریشه لغوی جیب، شکافتن و قطع کردن است. در مورد زینت که در دیدگاه

۱. طبق دیدگاه احمد قابل، چون در ستر صلاتی برخی قائل به عدم وجوب پوشش رأس هستند و از طرف دیگر ملازمه وجود دارد، پس در ستر ناظری هم پوشش سر نباید واجب باشد؛ اما محسن کدیور، می‌گوید در ستر صلاتی همه قائل به وجوب ستر سر هستند ولی ملازمه وجود ندارد و بنابراین، ممکن است در ستر ناظری به عدم وجوب پوشش سر قائل شویم.

محسن کدیور به معنای زینت‌های طبیعی و بدنی است، بحث بسیار است؛ طبق پژوهش‌ها، زینت در کتب لغت و اشعار عرب اختصاص به زینت‌های طبیعی ندارد و هر دو نوع زینت‌های طبیعی و عرضی را شامل می‌شود. کاربرد زینت در زینت‌های عارضی شواهدی در خود آیه شریفه نیز دارد؛ در فراز «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ زن‌ها پای خود را به گونه‌ای بر زمین نزنند که زینت مخفی آن‌ها آشکار شود»، مراد از زینت مخفی، خلخال است. خلخال، زینت عارضی است و بعید به نظر می‌رسد در یک فراز از آیه شریفه مراد از زینت، زینتی مصنوعی باشد و در فراز دیگر، زینت به معنای زینت طبیعی باشد. به همین سبب، چون در این فراز، زینت عارضی مدنظر است، در فراز دیگر آیه هم می‌تواند مراد همین باشد.

طبق دیدگاه محسن کدیور، اعضای بدن، دو بخش‌اند که یکی به حکم اولی و دیگری به حکم ثانوی واجب است، پوشیده شوند. سؤال این است بر چه اساس، اعضای بدن، دو قسمت شده‌اند و چگونه از گردن تا زانو، جزء مواضعی است که به حکم اولی باید

پوشانده شوند؟ اگر مراد از فراز «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، پوشاندن زینت‌هایی است که در عرف آن زمان رایج بوده است، تعیین موضعی که به حکم اولی باید پوشانده شوند، بر عهده‌ی عرف است؛ چراکه اگر عرف معیار باشد، مواضع قابل پوشش باید طبق آن، تعیین شوند (در این حالت، ممکن است بیشتر یا کمتر از محدوده گردن تا زانو توسط عرف تعیین شود). لذا توجه شود که معیار قرار دادن عرف، لوازمی دارد که مشخص نیست صاحب دیدگاه مذکور در این صورت، ملتزم به این لوازم باشد.

محسن کدیور تصریح می‌کند روایات امامیه در باب ستر ناظری، به ستر مو دستور می‌دهند یا پوشش مو در آن روایات، مسلم و مفروض انگاشته شده است. ایشان با وجود تصریح بر وجود روایات دلالت‌گر بر پوشش همه‌ی بدن به جز وجه و کفین، روایات را در فهم آیه دخالت نداده‌اند. با توجه به این‌که روایات جزء منابع فقه هستند، در صورتی که دلالت آیات، مبهم باشد یا آیات بر حکمی دلالت نداشته باشند، آیا نباید به روایات رجوع و بر اساس روایات، حکم موضوع تعیین شود؟ به چه دلیل ایشان از

این مسئله عبور کرده‌اند و روش رایج فقها در استنباط احکام فقهی را به کار نگرفته‌اند و سند و دلالت احادیث را مورد بحث قرار نداده‌اند؟

محسن کدیور معتقد است بین ستر صلاتی و ناظری، ملازمه وجود ندارد. ما هم پیش‌تر گفتیم بیش‌تر فقها قائل به عدم ملازمه هستند. نکته این است که دلیل فقها بر وجوب ستر سر، قاعده‌ی ملازمه نیست تا لازم باشد بگوییم قاعده ملازمه وجود ندارد. در آیات قرآن و روایات، دلایل و قرائنی وجود دارد که بر اساس آن‌ها، حکم مسئله استنباط شده است و مواضعی که باید در ستر صلاتی و ناظری پوشیده شوند، تعیین شده‌اند؛ بدون این‌که قاعده ملازمه در استنباط به کار رفته باشد. امکان دارد بعضی از فقها بر اساس برخی از مبانی مثل عورت بودن همه‌ی بدن زن، قاعده ملازمه را مطرح کرده باشند، اما این قاعده، در استنباط فقها در بحث پوشش از اهمیت خاصی برخوردار نیست.